

پژوهشی درباره مفاد آیه اکمال از دیدگاه فریقین

حجت‌الاسلام دکتر فتح‌الله نجارزادگان*

چکیده

فریقین در پاره‌ای از نقاط پیرامون آیه اکمال اتفاق نظر دارند. نقطه اصلی اختلاف آنان در تفسیر این آیه در دو امر، زمان نزول و علت نزول آیه است. این تمایز مباحث کلامی گسترده‌ای را در بین فریقین رقم زده است. در مصادر فریقین تنها دو دسته روایت درباره زمان نزول این آیه به چشم می‌خورد: نزول آن در حجة‌الوداع در روز عرفه و نزول آن در غدیر خم. برای جمع بین این دو دسته روایات، احتمالهایی می‌توان ارائه کرد.

در تمام احادیث شیعی، اعم از روایاتی که دلالت بر نزول آیه در عرفه و یا در غدیر دارد، علت نزول آیه «اعلان ولایت امام علی (علیه‌السلام)» ذکر شده است. در متن احادیث اهل سنت نیز که به علت تصریح شده، به جز در یک حدیث، علت نزول آیه «اعلان ولایت امام علی (علیه‌السلام)» است. اکثر اهل سنت که نزول آیه را در عرفه می‌دانند، برخلاف تصریح روایات درباره علت نزول آیه، وجوهی متعدد احتمال داده‌اند. این وجوه با برهان سیر و تقسیم مورد نقد قرار گرفته و مخدوش شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: اکمال دین، اتمام نعمت، ولایت، تفسیر فریقین.

طرح مسئله

هر چند فریقین در پاره‌ای از نقاط پیرامون آیه اکمال اتفاق نظر دارند که در تفسیر آیه مؤثر است، اما آنان درباره این آیه با اهمیت که از اکمال دین، اتمام نعمت و... خبر می‌دهد، در پاره‌ای از نقاط دچار اختلاف نظرند. این جای بسی شگفتی است، چرا که این آیه از قبیل اولین آیات نازل شده بر رسول مکرم نیست که شاهد نزول آن نبوده باشند، بلکه آخرین آیه و یا از آخرین آیاتی است که بر آن حضرت نازل شده است. این امر از جهت دیگری نیز شگفت‌آور است، زیرا تعداد اندکی از صحابه زمان نزول و کیفیت آن را نقل کرده‌اند، در حالی که اهمیت موضوع آیه اقتضا دارد که انبوهی از صحابه ناقل آن باشند.

به نظر می‌رسد، نقطه اصلی تمایز در دیدگاه فریقین در دو امر نهفته است: یکی در علت نزول این آیه و دیگری در تعیین روزی که در این آیه با تعبیر «الیوم» از آن یاد شده است. این دو امر اهمیت بسزایی در مباحث کلامی و تفسیری فریقین دارند.

گذشت که فریقین در پاره‌ای از نقاط مؤثر در تفسیر آیه اتفاق نظر دارند که عبارت‌اند از:

۱. سوره مائده در زمره آخرین سوره‌ها و به اجماع فریقین مدنی است،^۱ و آیه اکمال به حساب استثناها نیست (که از سوره دیگری در سوره مائده قرار گرفته باشد)، بلکه از آیه اکمال می‌توان استفاده کرد که سوره مائده آخرین سوره نازل شده است.
۲. بدون تردید، آیه اکمال در حجة‌الوداع نازل شده است.

۳. فقره «الیوم یسّس الذین کفرو... رضیت لکم الاسلام دیناً» در آیه سوم سوره مائده، از بقیه اجزای آیه که درباره حکم خوردنیهاست، جداست و ارتباطی به ماقبل و مابعد خود ندارد. در این زمینه تفاوتی نمی‌کند که فقره فوق به همراه بقیه آیه نازل شده یا به دستور پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در اینجا قرار گرفته باشد. به همین دلیل، فریقین پیوسته از این فقره جداگانه بحث کرده‌اند و در روایات معصومان، صحابه و تابعین نیز به طور مستقل آمده است. شاهد این مطلب، آیه ۱۱۹ سوره انعام است که می‌فرماید: «وما لکم الا تأکلوا مما ذکر اسم الله علیه وقد فصل لکم ما حرم علیکم الا ما اضطررتم الیه...». در این آیه که پیش از سوره مائده نازل شده می‌فرماید: آنچه از خوردنیها برای شما حرام بوده، به تفصیل بیان شده است.

بررسی زمان نزول آیه

برای شناخت روز نزول این آیه می‌توان از شواهد و قرائن درونی و بیرونی آیه استمداد جست. ابتدا باید بر این نکته تأکید کرد که مراد از واژه «الیوم» در این آیه، بنابه قول اکثر

طرح

مفسران و شواهد روایی (که ملاحظه خواهید کرد)، دوره زمانی نیست (مانند اینکه گفته می‌شود: کنت شاباً بالامس و عدت الیوم شیخاً) آن‌گونه که فخر رازی و بیضاوی احتمال می‌دهند،^۲ بلکه مراد از آن یک روز خاص و به تعبیر ادبی الف و لام آن برای عهد حضوری است. این واژه در این آیه دو بار تکرار شده و هر دو اشاره به یک روز دارد، نه آنکه دو روز مدنظر آیه شریفه باشد. قرآن درباره این روز خاص اوصافی را بیان می‌کند که عبارت‌اند از: «یس الذین کفروا من دینکم»، «اکملت لکم دینکم»، «اتممت علیکم نعمتی»، «رضیت لکم الاسلام دیناً». چون همه این اوصاف مربوط به یک روز مشخص است، باید با یکدیگر پیوند داشته باشند؛ بدین صورت که اکمال دین و اتمام نعمت، موجب یأس کفار و خشنودی خدا از حاکمیت دین اسلام بر جامعه بوده باشد. این روز با این ویژگیهای منحصر به فرد، باید روز حساس و نقطه عطفی در تاریخ اسلام به شمار آید و در آن اتفاقی خاص رخ داده باشد که موجب ویژگیهای چهارگانه مذکور شود.

فریقین درباره زمان نزول این آیه تنها دو قول را مطرح کرده‌اند: نزول آن در حجة الوداع در روز عرفه و نزول آن در غدیرخم؛ پس باید حوادثی که در این دو روز اتفاق افتاده بررسی شود تا مشخص گردد که مقصود در آیه کدام یک از این دو روز است. روایاتی که درباره زمان و مکان نزول این آیه نقل شده نیز دو دسته‌اند: یک دسته زمان نزول را در عرفه و دسته دیگر در غدیرخم می‌دانند. هر دو دسته این روایات در مصادر فریقین یافت می‌شود. در مصادر اهل سنت با سند صحیح و با چند طریق، نزول آیه در روز عرفه (در حجة الوداع) نقل شده است. ابن کثیر در این باره می‌گوید:

نزول آیه اکمال در روز عرفه امری معلوم و قطعی است... در این باره احادیثی متواتر نقل شده که شکی در صحت آنها نیست... قول درست که شک و تردیدی در آن راه ندارد این است که این آیه در روز جمعه در عرفه نازل شده است.^۳

ادعای ابن کثیر در مورد تواتر روایات درباره نزول آیه در روز عرفه ثابت نیست، چون حداکثر چهار نفر این روایت را نقل کرده‌اند: امام علی (علیه السلام)، عمر بن خطاب، ابن عباس و سمره.^۴ بنابراین نمی‌توان از بررسی سندی این روایات چشم پوشید یا ادعای قطعیت صدور کرد، هر چند اهل سنت روایت منقوله از عمر را در صحیحین آورده‌اند.

در مصادر شیعی نیز در تفسیر عیاشی از امام صادق (علیه السلام) چنین نقل شده است:

چون رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در روز جمعه در عرفات اقامت کردند، جبرئیل نزد ایشان آمد و گفت: ای محمد! خداوند به تو سلام

می‌رساند و می‌گوید: با امت خود بگو «الیوم اکملت لکم دینکم؛ امروز برای شما دینتان را به وسیله ولایت علی بن ابی‌طالب کامل کردم». «وَأَتَمَّتْ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيَتْ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا؛ و نعمتم را بر شما تمام کردم و برای شما اسلام را به عنوان دین پسندیدم و پس از این برای شما چیزی نازل نخواهم کرد».^۵

مرحوم کلینی نیز با سند خود از ابی‌الجارود از امام باقر (علیه‌السلام) چنین نقل می‌کند: از امام باقر شنیدم که فرمود: خداوند بر بندگانش پنج چیز را واجب کرد. آنان چهار چیز را گرفتند و یکی را رها کردند. گفتم: آیا آنها را برای من نام می‌برید؟ فرمود: نماز... سپس زکات نازل شد... آن‌گاه روزه نازل شد... سپس حج نازل شد... و آن‌گاه ولایت نازل شد. همانا ولایت در روز جمعه در عرفه برای پیامبر آمد و خداوند چنین نازل کرد: «الیوم اکملت لکم دینکم وَأَتَمَّتْ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي». پس کمال دین به ولایت علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) است...^۶

در تفسیر عیاشی حدیث مذکور از جعفر بن محمد الخزازی نقل شده است. وی (مانند سه حدیث دیگر که عیاشی در موارد دیگر از او نقل حدیث می‌کند)^۷ تنها از پدرش به نقل از امام صادق (علیه‌السلام) حدیث نقل می‌کند و فردی مجهول است، یعنی توثیق و تضعیفی درباره او نیست.^۸ هر دو سند روایت کلینی نیز ضعیف و متن آن نیز مشوش است.^۹

دسته دوم این روایات دلالت بر نزول آیه در روز غدیر یا اندکی پس از آن دارد. این روایات در مصادر شیعی با سند صحیح و طرق متعدد نقل شده‌اند.^{۱۰} در مصادر اهل سنت نیز از صحابه‌ای که شاهد نزول آیه بوده‌اند، این احادیث روایت شده‌اند. هر چند برخی از اهل سنت آنها را ضعیف دانسته^{۱۱} و یا از مقتربات شیعه شناخته‌اند،^{۱۲} اما این دیدگاه مبنای علمی ندارد؛ چون افرادی که در سلسله سند این روایات آمده‌اند، از نظر رجال‌شناسان اهل سنت توثیق شده‌اند. به طور نمونه، علامه امینی^{۱۳} تک‌تک رجال سندها را بر اساس موازین اهل سنت بررسی و توثیق کرده است. ابن کثیر - افزون بر حکم به ضعف سند - اشکالی دیگر بر حدیثی از ابوه‌ریره دارد. ابوه‌ریره نزول آیه اکمال را در روز غدیر می‌داند و در ضمن آن به نقل از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به فضیلت روزه در این روز تصریح می‌کند. ابن کثیر درباره این حدیث می‌گوید:

اگر روزه روز غدیر معادل شصت ماه باشد، مستلزم برتری امر مستحب بر واجب خواهد شد، چون تمام روزه ماه رمضان به اندازه ده ماه

فضیلت دارد؛ چه رسد به روزه یک روز غدیر که امری مستحب است.

بنابراین، این روایت منکر باطل است.^{۱۴}

علامه امینی به این اشکال، افزون بر پاسخ نقضی که در مصادر متعدد اهل سنت از جمله صحیحین است، مانند حدیث: «هرکس در رمضان روزه بگیرد و به دنبال آن شش روز از شوال را روزه بگیرد مانند کسی است که یک دهر روزه گرفته است»،^{۱۵} پاسخهای حلی نیز ارائه داده است.^{۱۶}

شاید بتوان بین دو دسته روایتی که درباره زمان و مکان نزول آیه اکمال است (نزول در عرفه، نزول در غدیر) جمع کرد و تهافت بین آنها را از میان برد و وجوهی را برای جمع بیان کرد که عبارت‌اند از:

۱. آیه اکمال دو بار نازل شده است: یک بار در عرفه و بار دیگر در غدیر و هر دو مرتبط به اعلان ولایت امام علی (علیه السلام) است. برخی از بزرگان فریقین این احتمال را داده‌اند.^{۱۷} توضیح اجمالی این مطلب بدین صورت است: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) از توطئه جریان نفاق و تفرقه امت و ارتداد آنان درباره اعلان ولایت امام علی (علیه السلام) بیمناک بودند.^{۱۸} از این رو حضرت پس از نزول این آیه در حجة الوداع در عرفه، اعلان رسمی ولایت را به تأخیر انداختند و از خداوند تضمین خواستند که در پی آن آیه «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل إلیک» نازل شد و در آن تضمین خدا مبنی بر «والله یعصمک من الناس» اعلان شد. آن‌گاه حضرت در غدیر به طور رسمی ولایت امام علی (علیه السلام) را اعلان کردند و پس از آن دوباره آیه اکمال نازل شد. شاهد این وجه جمع حدیثی است که ابن طاوس با سند از احمد بن محمد طبری، معروف به خلیلی، از امام باقر (علیه السلام) بدین گونه نقل کرده است:

چون پیامبر خدا در عرفه وقوف کردند، جبرئیل این آیه را نازل کرد و گفت: ای محمد (صلی الله علیه و آله)! علی را بر خیزان و بر ولایت او بیعت بگیر... پس حضرت از توطئه اهل نفاق و شقاوت که مبدا بین امت تفرقه بسازند یا آنان را به جاهلیت برگردانند، بیمناک شدند، چون از دشمنی و کینه‌توزی عده‌ای در مورد امام علی (علیه السلام) باخبر بودند از این رو از جبرئیل تضمین خواستند... تا به غدیر خم رسیدند...^{۱۹}

فتال نیشابوری نیز به صورت مرسل مضمون این حدیث را آورده است.^{۲۰} زید بن ارقم

صحابی نیز که خود شاهد ماجرا بوده، در این زمینه می‌گوید:

جبرئیل روح الامین بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در عصر روز عرفه ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) را فرود آورد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دلتنگ شدند، چون از تکذیب اهل نفاق و افک بیمناک بودند. از این رو حضرت گروهی را که من نیز در میان آنان بودم فراخواند و در این باره با آنان مشورت کرد تا آن را ابلاغ کند، ما نمی دانستیم در این باره چه بگوییم.^{۲۱}

در این احتمال، آیه دو بار نازل شده و هر دو بار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آن را ابلاغ کرده اند: یک بار در عرفه برای برخی از صحابه که برای استشاره جمع شدند، و یک بار در غدیر به طور رسمی برای عموم مردم.

۲. احتمال دیگر آن است که آیه تنها در عرفه نازل شده و پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) نیز در عرفه آن را ابلاغ کرده اند و بار دیگر در غدیر نیز ابلاغ شده است.

۳. چون علت نزول آیه با مسئله غدیر و آیه عصمت ارتباط وثیق دارد، علامه طباطبائی نیز احتمال می دهد روز نزول آیه عرفه و روز ابلاغ آن در غدیر باشد.^{۲۲}

۴. احتمال دیگری برای وجه جمع می توان داد و آن اینکه پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در حجة الوداع و در محل اجتماع عمومی مردم از جمله در مسجد خیف،^{۲۳} در روز عرفه،^{۲۴} و در غدیر،^{۲۵} حدیث ثقلین را اعلان فرموده است. این مطلب ضمن آنکه نشان می دهد یکی از رسالتهای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در حجة الوداع (افزون بر آموزش مناسک حج)، اتمام حجت بر مردم درباره ثقلین بوده است، آشکار می کند که با اعلان رسمی حدیث ثقلین توسط پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در اجتماع مردم، یأس کفار، اکمال دین، اتمام نعمت و خشنودی خدا از اسلام حاصل آمد. آیه اکمال به همین علت نازل شد و حضرت رسول نیز آن را در همان جا اعلان فرمود. حادثه غدیر نیز در واقع شرح و توضیح پیامبر معظم اسلام (صلی الله علیه و آله) درباره حدیث ثقلین بوده است.

این احتمالات برای جمع دو دسته روایت است. ولی اگر نتوان آنها را جمع کرد، احادیثی که از نزول آیه در عرفه حکایت می کنند (به ویژه آن دسته احادیث که علت نزول را موردی غیر از ولایت امام علی (علیه السلام) می دانند) به دلیل ضعفهای متعدد درون متنی و برون متنی ساقط خواهند بود. برخی از دانشمندان شیعی نیز به تفصیل از این ضعفها پرده برداشته اند.^{۲۶}

طهری

بررسی علت نزول

در متن روایاتی که در مصادر اهل سنت از نزول این آیه در عرفه خبر می‌دهد - به جز روایت خلیلی و حسکانی (پیش گفته) که در آن علت نزول را ولایت امام علی (علیه السلام) می‌دانند - تصریحی به علت نزول آیه نشده است؛ در آنها مشخص نشده چه حادثه‌ای در عرفه اتفاق افتاد که موجب نزول این آیه و اوصاف مذکور در آن شد. به همین دلیل، مشهور اهل سنت (که بر این باورند این آیه در عرفه نازل شده) ناگزیر در جست‌وجوی علت نزول آن، وجوه متعددی را احتمال داده‌اند.^{۲۷} این وجوه از سوی برخی از مفسران شیعی با برهان سبب و تقسیم مورد نقد قرار گرفته و تمام آنها مخدوش شده است.^{۲۸} اما در تمام روایات شیعی، اعم از روایاتی که دلالت بر نزول آیه در عرفه و یا دلالت بر نزول آن در غدیر دارد، علت نزول آیه «اعلان ولایت امام علی (علیه السلام)» است.^{۲۹} در متن روایاتی که نزول آیه را در غیر عرفه می‌داند و از شاهدان نزول این آیه یعنی صحابه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) رسیده است، درباره علت نزول این آیه تنها دو امر ذکر شده است. امر نخست «تطهیر خانه خدا از لوث وجود مشرکان» است که از ابن عباس نقل شده است. او می‌گوید:

فلما نزلت براءة فنفى المشركون عن بيت الحرام وحج المسلمون
لا يشاركهم في البيت الحرام من المشركين فكان ذلك من تمام النعمة
وهو قوله تعالى: «اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي»؛
چون سوره براءت نازل شد و مشركان از بيت الحرام رانده شدند، مسلمانان
بدون شركت مشركان حج گزاردند؛ اين از اتمام نعمت است كه خداوند در
اين آيه فرموده است: «امروز براي شما دينتان را كامل كردم و نعمتم را
براي شما به اتمام رساندم».^{۳۰}

امر ديگر «نصب ولايت امام علي (عليه السلام)» است كه از امام علي (عليه السلام)، ابوسعيد خدری، زیدبن ارقم، ابن عباس و ابوهريره حكایت شده است.^{۳۱} علامه امینی و ديگران اين احاديث را تا حدودی استقصا کرده‌اند.^{۳۲}

بنابراین، در متن آن دسته از روایات اهل سنت نیز که در آن به علت نزول آیه تصریح شده، اعم از روایاتی که نزول آیه را در عرفه یا غیر عرفه می‌دانند، به جز در یک حدیث از ابن عباس، علت نزول آیه اعلان ولایت امام علی (علیه السلام) ذکر شده است.

اما در پاسخ حدیثی که تنها از ابن عباس نقل شده و در آن «تطهیر خانه خدا از مشرکان»، علت نزول آیه معرفی شده، می‌توان گفت: اولاً، احتمال دارد که این روایت در مقام بیان تفسیر آیه یا ذکر یکی از مصادیق اتمام نعمت باشد، نه آنکه علت نزول آیه را بیان کند.

ثانیاً، این حدیث مخالف با قول دیگری است که از ابن عباس گذشت. ثالثاً، این حدیث مخالف با ظاهر آیه است که نشان می‌دهد در آن روز حادثه‌ای اتفاق افتاده که موجب اکمال دین از یک سو و یأس کفار از دین (و نه یأس از مسلمانان) از سوی دیگر شده است. و روشن است که عدم شرکت مشرکان در اعمال حج، موجب اکمال دین و یأس کفار از دین نخواهد بود.

پس از اثبات این امر که آیه اکمال درباره ولایت امام علی(علیه‌السلام) نازل شده است، می‌گوییم: اولاً، این نزول تأثیری عمیق در معنای «مولی» در حدیث «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» خواهد داشت؛ چون آنچه موجب اکمال دین، اتمام نعمت و یأس کفار از دین می‌شود، تنها اعلان دوستی و وفاداری به امام علی(علیه‌السلام) نیست، بلکه رخدادی بزرگ نظیر اعلان امامت و پیشوایی امام علی(علیه‌السلام) خواهد بود.

ثانیاً، اسلامی که مورد رضایت خداست مرتبط با ولایت امام علی(علیه‌السلام) خواهد شد؛ چون در این آیه می‌فرماید: «...ورضیت لیکم الاسلام دیناً...». بنابراین، آنان که از این ولایت سر باز می‌زنند، در متن دینی که مرضی خداست اخلال خواهند کرد. به نظر می‌رسد بخشی از خطبه غدیریه پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله) به همین مطلب اشاره دارد. حضرت می‌فرماید:

خداوندا! همانا تو بر من چنین نازل کردی؛ امامت برای علی ولی توست. در آن هنگام که وی را برتری بخشیدی و با امامت او دین بندگانت را کامل کردی و نعمت را بر آنان به اتمام رساندی و برای آنان اسلام را به عنوان دین پسندیدی و فرمودی «هر کس غیر از اسلام دینی جست‌وجو کند از او پذیرفتنی نیست و در آخرت از زیانکاران می‌باشد». خدایا تو شاهد باش من پیام تو را رساندم.^{۳۳}

در پایان شایسته ذکر است که از نظر شیعه آیه اکمال با آیه تبلیغ (مائده: آیه ۶۷) و آیات ولایت (مائده: ۵۵ و ۵۶) ارتباط وثیق دارد. این مطلب افزون بر آنکه از خود قرآن استفاده می‌شود، احادیث صحیح‌السند در مصادر روایی شیعه نیز بر آن دلالت دارد.^{۳۴} این نکته نیز قابل توجه است که برخی از بزرگان شیعه، از آیه اکمال افزون بر مسئله ولایت، مسئله عصمت امام علی(علیه‌السلام) را نیز استفاده کرده‌اند.^{۳۵}

پی نوشتها:

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۳۱؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۷۹؛ ابن قتیبه، المسائل والاجوبه فی الحدیث والتفسیر، ص ۱۶۷.
۲. فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۱۱، ص ۱۱۳۷؛ بیضاوی، انوار التنزیل (تفسیر بیضاوی)، ج ۱، ص ۲۵۵.
۳. ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۱۳ - ۱۲؛ و نیز نک. همو، البدایة والنهاية، ج ۵، ص ۱۵۵.
۴. ابن کثیر، همان.
۵. عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۹، ج ۱۱۰۸.
۶. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۵۹، ج ۶.
۷. نک. کتاب التفسیر، ج ۳، ص ۲۷۷.
۸. نک. خوبی، معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۱۲۶، رقم ۲۲۹۶.
۹. نک. مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۶۱ - ۲۵۹.
۱۰. کافی، ج ۱، ص ۲۹۲ - ۲۸۹؛ بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۶۱؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۴۷ - ۴۳۴؛ قمی، تفسیر قمی، ج ۴، ص ۳۶ - ۳۲.
۱۱. تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۱۴؛ سیوطی، الدر المنثور، ج ۳، ص ۱۹.
۱۲. نک. آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ج ۴، ص ۹۱.
۱۳. امینی، الغدير، ج ۱، ص ۲۹۸ - ۲۹۴.
۱۴. البدایة والنهاية، ج ۵، ص ۱۸۸.
۱۵. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۵۲۴؛ ابوداؤد، سنن، ج ۲، ص ۳۲۴، ج ۲۴۳۲.
۱۶. نک. الغدير، ج ۱، ص ۷۰۷ - ۶۹۹.
۱۷. نک. بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۶۰؛ ابن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۳۷.
۱۸. نک. کافی، ج ۱، ص ۲۸۹، ج ۲۹۲، ص ۳۹۲؛ ج ۴؛ کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۶۴؛ ج ۱۳۱۵؛ صدوق، امالی، مجلس ۵۶، ص ۴۳۵، ج ۱۰؛ ابن طاووس، الیقین، باب ۱۲۷، ص ۳۴۴؛ همو، التحصین، باب ۲۹، ص ۵۸۱.
۱۹. الیقین، باب ۱۲۷، ص ۳۴۴.
۲۰. فتال، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۲۱۶، ج ۲۰۹.
۲۱. کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۳۰۱، ج ۱۹۹۶؛ و به نقل از وی، حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۵۶، ج ۳۶۸.
۲۲. نک. طباطبائی، المیزان، ج ۵، ص ۱۹۶.
۲۳. ابن حجر، الصواعق المحرقة، ص ۱۵۰.
۲۴. ترمذی، الجامع الصحیح، ج ۵، ص ۶۲۱، ج ۳۷۸۶؛ حموی، فرائد السمطین، ص ۲۳۴؛ احمد یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۲.
۲۵. ابن ابی عاصم، کتاب السنة، ص ۶۲۹، ج ۱۵۵۵ - ۱۵۵۱؛ ابن مغالزی، مناقب، ص ۱۶ و ۲۳.
۲۶. به طور نمونه نک. المیزان، ج ۵، ص ۱۶۹؛ مرکز المصطفی، آیات الغدير، ص ۲۸۴ - ۲۶۸؛ مکارم شیرازی، آیات ولایت در قرآن، ص ۶۸ - ۵۵.

۲۷. به طور نمونه نك. انوار التنزيل، ج ۱، ص ۲۵۵؛ أوسى، روح المعاني، ج ۴، ص ۹۱ - ۹۰.
۲۸. به طور نمونه نك. الميزان، ج ۵، ص ۱۶۹ به بعد.
۲۹. نك. حویزی، نور الثقلین، ج ۱، ص ۵۹۰ - ۵۸۷؛ مشهدی، كنز الدقائق، ج ۴، ص ۳۶ - ۳۲.
۳۰. طبری، جامع البيان، ج ۴، ص ۸۱؛ الدر المنثور، ج ۳، ص ۱۷ - ۱۶.
۳۱. نك. التحصين، ص ۵۴۸؛ مناقب، ص ۱۹؛ شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۲۰۰ و ۲۰۸ - ۲۰۷؛ الدر المنثور، ج ۳، ص ۱۷ - ۱۶؛ واحدى، اسباب نزول القرآن، ص ۱۳۵.
۳۲. نك. الغدير، ج ۱، ص ۴۵۸ - ۴۴۷؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ۱، ص ۴۴۷ - ۴۲۴.
۳۳. روضة الواعظین، ج ۱، ص ۲۲۵؛ التحصين، باب ۲۹، ص ۵۸۴.
۳۴. نك. کافی، ج ۱، ص ۲۹۰ - ۲۸۹، ج ۴.
۳۵. علامه حلی، الالفین الفارق بین الصدق والمین، ص ۳۵۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

طهر

سال چهارم - شماره ۱۶ - زمستان ۱۳۸۴

۱۲

منابع:

١. قرآن كريم.
٢. الأوسى، محمود، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، تصحيح محمدحسين العرب، دارالفكر، بيروت، ١٤١٧ق.
٣. ابن ابي عاصم، ابوبكر، كتاب السنة، بقلم محمد ناصرالدين الالباني، المكتب الاسلامي، بيروت.
٤. ابن حجر، احمد، الصواعق المحرقة في الرد على اهل البدع والزندقة، تخريج عبدالوهاب عبداللطيف، قاهره.
٥. ابن طاوس، علي، اليقين باختصاص مولانا على بإمرة المؤمنين، تحقيق انصاري، قم، دارالكتاب، ١٤١٣ق.
٦. همو، التحصين لاسرار ما زاد من أخبار كتاب اليقين، همان.
٧. ابن قتيبه، عبدالله، المسائل والاجوبة في الحديث والتفسير، تحقيق مروان العطية و محسن خراية، دار ابن كثير، بيروت، ١٤١٠ق.
٨. ابن كثير، اسماعيل، تفسير القرآن العظيم (تفسير ابن كثير)، بيروت، ١٤٠٢ق.
٩. همو، البداية والنهاية، تحقيق علي نجيب عطوي و ديكران، دارالكتب العلمية، بيروت، ١٤٠٨ق.
١٠. ابن مغازلي، علي، مناقب الامام امير المؤمنين علي بن ابي طالب، تحقيق محمدباقر بهبودي، دارالاضواء، بيروت، ١٤٠٣ق.
١١. ابوداود، سليمان بن اشعث، سنن ابي داود، تعليق محمد عبدالحميد، دار احياء السنة النبوية، بيروت.
١٢. اميني، عبدالحسين، التفسير في الكتاب والسنة والادب، طهران، ١٣٦٦ش.
١٣. بحراني، سيدهاشم، البرهان في تفسير القرآن، تصحيح زرندی، مؤسسه مطبوعاتي اسماعيليان، قم.
١٤. بيضاوي، عبدالله، انوار التنزيل واسرار التأويل (تفسير بيضاوي)، دارالكتب العلمية، بيروت، ١٤٠٨ق.
١٥. ترمذي، محمد، الجامع الصحيح (سنن الترمذي)، تحقيق ابراهيم عطوه عوض، دار احياء التراث العربي، بيروت.
١٦. حسكاني، عبيدالله، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، تحقيق محمدباقر محمودي، مجمع احياء الثقافة الاسلامية، قم، ١٤١١ق.
١٧. حلي، حسن بن يوسف، الالفين الفارق بين الصدق والمين، تحقيق و نشر المؤسسة الاسلامية، قم، ١٣٨١ش.
١٨. حموشي، ابراهيم، فرائد السمطين في فضائل المرتضى والتبول والسبطين والائمة من ذريتهم (عليهم السلام)، تحقيق محمدباقر محمودي، مجمع احياء الثقافة الاسلامية، قم، ١٤١٥ق.
١٩. حويزي، عبدعلي، نور الثقلين، تصحيح سيدهاشم انصاري، ١٣٤٩ش.
٢٠. خويي، سيدابوالقاسم، معجم رجال الحديث وتفصيل طبقات الرواة، منشورات آيت الله العظمى خويي، قم، ١٤٠٣ق.
٢١. رازي، فخرالدين، التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)، دار احياء التراث العربي، بيروت.
٢٢. سبطان الجوزي، يوسف، تذكرة الخواص، مؤسسة اهل البيت، بيروت، ١٤٠١ق.

۲۳. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۲۴. صدوق، ابوجعفر محمد، امالی، تحقیق مؤسسة البعثة، قم، ۱۴۱۷ق.
۲۵. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، منشورات جماعة المدرسين بقم.
۲۶. طبرسی، فضل‌بن‌حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، تحقیق محلاتی و طباطبائی، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۲۷. طبری، محمدبن‌جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۲۸. عیاشی، محمد، کتاب التفسیر، تحقیق مؤسسة البعثة، قم، ۱۴۲۱ق.
۲۹. فتال نیشابوری، محمد، روضة الواعظین، تحقیق غلامحسین مجیدی و مجتبی فرجی، قم، ۱۴۲۳ق.
۳۰. قمی، علی‌بن‌ابراهیم، تفسیر [النسوب الی] القمی، تصحیح سیدطیب جزائری، قم، ۱۴۰۴ق.
۳۱. کلینی، محمدبن‌یعقوب، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیة، طهران، ط الثالثة، ۱۳۸۸ق.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار، شرکت طبع بحاراانوار، تهران.
۳۳. همو، مرآة العقول فی شرح اخبار آل رسول، ط الثالثة، طهران، ۱۳۶۳ش.
۳۴. مرکز المصطفی، آیات‌التقدیر، مرکز المصطفی للدراسات الاسلامیة، قم، ۱۴۱۹ق.
۳۵. مسلم‌بن‌حجاج، صحیح مسلم، تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی، بیروت.
۳۶. مشهدی، محمدرضا، کنزالدقائق و بحر الغرائب، تحقیق حسین درگاهی، طهران، ۱۴۱۱ق.
۳۷. مکارم‌شیرازی، ناصر، آیات ولایت در قرآن، تنظیم ابوالقاسم علیان، نسل جوان، قم، ۱۳۸۱ش.
۳۸. واحدی، علی، اسباب نزول القرآن، تحقیق کمال زغلول، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۳۹. یعقوبی، احمد، تاریخ یعقوبی، دار صادر، بیروت.

طهرانی